



China's Regime-Building in the Persian Gulf: The China-Persian Gulf Cooperation Council Free Trade Area

Bahareh Sazmand

Associate Professor of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: bsazmand@ut.ac.ir

Ahmad Ramezani

PhD Student of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract

Regime building is considered a key tool used by China to expand and deepen cooperation with partner states, and its utilization has steadily increased over time. The main question of this study is why China seeks to establish a regime with the Persian Gulf Cooperation Council (GCC). This article employs an explanatory approach and argues that China has turned to regime building with the GCC to pursue and maximize its economic interests. The findings indicate that China initiated talks to establish a China-GCC Free Trade Area to boost economic trade (USD 25 billion in 2004), which increased to over USD 90 billion in 2008 and exceeded USD 180 billion in 2019. China is currently aiming to expand the Free Trade Area to other sectors, particularly trade in services and investment. The theoretical framework of the article is the theory of international interest-based regimes, and the data collection method is documentary analysis.

Keywords: China, Gulf Cooperation Council, Regime-Building, Free Trade Area

رژیم سازی چین در خلیج فارس؛ واکاوی منطقه آزاد تجاری چین و شورای همکاری خلیج فارس

بهاره سازمند

دانشیار مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: bsazmand@ut.ac.ir

احمد رضانی

دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

رژیم سازی یکی از ابزارهای چین جهت بسط و تعمیق همکاری با طرفهای مقابل در نظر گرفته می شود که استفاده از آن به صورت مستمر افزایش یافته است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چرا چین به دنبال ایجاد رژیم منطقه آزاد تجاری چین-شورای همکاری خلیج فارس است؟ مقاله حاضر با روشی تبیینی این گونه استدلال می کند که چین در جهت کسب و بیشینه سازی منافع اقتصادی خود به سمت رژیم سازی در خلیج فارس رو آورده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که چین گفت وگوها را جهت ایجاد منطقه آزاد تجاری چین-شورای همکاری خلیج فارس به منظور افزایش حجم تجارت اقتصادی (۲۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴) آغاز کرد. این امر حجم تجارت را در سال ۲۰۰۸ به بیش از ۹۰ میلیارد دلار افزایش داد و این رقم در سال ۲۰۱۹ به بیش از ۱۸۰ میلیارد دلار رسید. چین در حال حاضر در پی ارتقای منطقه آزاد تجاری به سایر حوزه ها مخصوصاً تجارت خدمات و سرمایه گذاری است. چهارچوب نظری مقاله حاضر نظریه رژیم های منفعت محور بین المللی و روش گردآوری مطالب نیز اسنادی است.

کلیدواژه ها: چین، شورای همکاری خلیج فارس، رژیم سازی، منطقه آزاد تجاری

مقدمه

در دوران مدرن مخصوصاً پس از جنگ سرد، خاورمیانه به صورت عام و خلیج فارس به صورت خاص در سیاست قدرت‌های بزرگ نقش مهمی داشته است. به همین ترتیب، تاریخ منطقه خلیج فارس با رقابت قدرت‌های بزرگ عجین شده و عرصه‌ای برای مداخله آن‌ها بوده است. این امر غالباً به دلیل موقعیت راهبردی و ژئوپلیتیک منطقه، به ویژه منابع عظیم نفت و گاز است. منافع چندین قدرت بزرگ معاصر نظیر ایالات متحده آمریکا، قدرت‌های اروپایی، روسیه و قدرت‌های نوظهور در آسیا یعنی چین و هند در این منطقه با یکدیگر تلاقی دارند. چین به عنوان قدرتی نوظهور در ۳ دهه گذشته به این منطقه توجه ویژه‌ای داشته است. راهبرد خلیج فارس چین مبتنی بر ایجاد روابط چندبُعدی با همه کشورهای منطقه، صرف نظر از رقابت‌های موجود است. در رابطه با دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس، رویکرد چین عمدتاً (البته نه صرفاً) در انرژی خلاصه می‌شود؛ با این حال در سال‌های اخیر رویکرد چین حوزه‌های مختلف همکاری را مدنظر قرار داده است. شش دولت شورای همکاری خلیج فارس بیش از ۳۰ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان و ۳۰ درصد بازار نفت چین را در سال ۲۰۱۹ به خود اختصاص داده‌اند (Al-Tamimi, 2019, p.25). این امر چین را با نیاز فزاینده به انرژی را همانند آذربایبی به خود جذب می‌کند. روابط چین با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به دلیل قرار گرفتن در دو بلوک شرق و غرب برقرار نشده بود و حمایت چین از جنبش‌های آزادی‌بخش مانند صفار عمان مانع مهمی بر سر راه روابط طرفین محسوب می‌شد. به هر حال کویت اولین دولت شورای همکاری خلیج فارس بود که در سال ۱۹۷۱ روابط دیپلماتیک با چین برقرار کرد. بعد از آن عمان در سال ۱۹۷۸، امارات ۱۹۸۴، قطر ۱۹۸۸، بحرین ۱۹۸۹ و عربستان ۱۹۹۰ با چین روابط دیپلماتیک برقرار کردند. دلیل بهبود روابط با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس عمل‌گرایی چین بعد از سال ۱۹۷۸ (سیاست درهای باز) بود. نیاز فزاینده چین به انرژی باعث شد این کشور در سال ۱۹۹۹ با عربستان سعودی موافقت‌نامه مشارکت راهبردی نفت را امضا کند (Liu, 2016, pp. 5-8). در ژوئیه ۲۰۰۴، دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس و وزرای دارایی کشورهای عضو به طور مشترک از چین بازدید کردند؛ در جریان آن، چین و شورای همکاری خلیج فارس موافقت‌نامه چهارچوب اقتصاد، تجارت و سرمایه‌گذاری را امضا و اعلام کردند مذاکرات منطقه آزاد تجاری را آغاز می‌کنند (Niazi, 2009, p. 7). در ژوئن ۲۰۱۰، سازوکار گفت‌وگوی راهبردی بین چین و شورای همکاری خلیج فارس تنظیم و اولین دور آن در بیجینگ برگزار شد. تا اواخر سال ۲۰۱۶ نیز ۹ دور گفت‌وگو بین طرفین در راستای



منطقه آزاد تجاری برگزار شد و دستاوردهایی در حوزه‌های مختلف کسب شد (MCPRC, 2021). با توجه به مباحث مطرح‌شده، سؤال اصلی این است که چرا چین به دنبال ایجاد رژیم منطقه آزاد تجاری چین-شورای همکاری خلیج فارس است؟ سؤال‌های فرعی نیز این‌گونه مطرح می‌شوند: منطقه آزاد تجاری چین-شورای همکاری خلیج فارس در چه وضعیتی قرار دارد؟ سطح روابط چین-شورای همکاری خلیج فارس چگونه ارزیابی می‌شود؟ برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش و بررسی فرضیه مقاله، در ادامه ابتدا چهارچوب نظری رژیم‌های منفعت‌محور بین‌المللی تشریح می‌شود؛ در وهله بعد، تاریخچه مختصری از روابط چین با شورای همکاری خلیج فارس ارائه می‌شود؛ سپس منطقه آزاد تجاری چین-شورای همکاری خلیج فارس مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت چشم‌انداز روابط چین-شورای همکاری خلیج فارس از نظر گذرانده می‌شود.

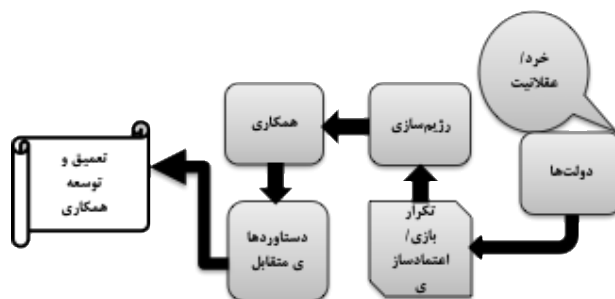
۱. چهارچوب نظری

نظریه رژیم‌های بین‌المللی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به‌واسطه انتقادهایی به نظریه نوواقع‌گرایی، مخصوصاً در انتقاد به نظریه ثبات هژمونیک شکل گرفت. براساس نظریه ثبات هژمونیک، نوواقع‌گرایان بر این نظر بودند که هژمون رژیم‌ها را ایجاد می‌کند و بقای رژیم‌ها وابسته به هژمون است؛ اما با افول قدرت ایالات متحده در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، رژیم‌ها نه‌تنها به حیات خود ادامه دادند، بلکه همکاری در عرصه بین‌المللی رو به فزونی گذاشت (Zanghl, 2014, p.76)؛ اما رژیم چیست و کارکرد آن چگونه است؟ کرسنر معتقد است رژیم مجموعه‌ای از اصول صریح یا ضمنی، هنجارها، قواعد و رویه‌های تصمیم‌گیری است که حول محور انتظارات بازیگران در حوزه موضوعی خاص بین‌المللی تعریف می‌شود. اصول، باورهایی در مورد حقیقت، علت و صحت عمل هستند. هنجارها، الگوهای رفتاری در قالب حقوق و تکالیف تعریف می‌شوند. قواعد، تجویزهای خاص یا تجویزهایی برای کنش هستند و رویه‌های تصمیم‌گیری نیز، سنت‌های غالبی برای اتخاذ و اجرای انتخاب جمعی هستند (Krasner, 1982, p. 2). راگی رژیم را به‌عنوان مجموعه‌ای از انتظارات متقابل، قوانین و مقررات، برنامه‌ها، نیروهای سازمانی و تعهدات مالی معرفی می‌کند که توسط گروهی از دولت‌ها پذیرفته شده است (Ruggie, 1975). یانگ نیز رژیم‌ها را به‌عنوان نهادهای اجتماعی حاکم بر اقدامات افراد درگیر در فعالیت‌های خاص یا مجموعه‌ای از فعالیت‌ها تعریف می‌کند (Young, 1989). کیوهن و نای رژیم را ایجاد و پذیرش رویه‌ها، قواعد یا نهادهایی برای

نوع خاصی از فعالیت‌ها، سامان حکومتی و کنترل روابط بین دولتی و فراملی می‌دانند و به‌صورت کلی آن‌ها را ترتیبات حاکم می‌نامند (Keohane & Nye, 2012, 2001, 1997, p.5). رویکرد رژیم‌های بین‌المللی به‌صورت کلی به سه دسته رژیم‌های منفعت-سودمحور، رژیم‌های قدرت‌محور و رژیم‌های شناخت‌محور قابل تقسیم است. هر کدام از این نظریه‌ها بر مفاهیمی کلیدی متمرکز می‌شوند که رویکرد آن‌ها به جهان سیاست و روابط بین‌الملل را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال نظریه رژیم‌های سودمحور بین‌المللی بر حوزه اقتصادی، نظریه رژیم‌های قدرت‌محور بر حوزه نظامی-امنیتی و نظریه رژیم‌های شناخت‌محور بر حوزه‌های انگاره‌ای تمرکز می‌کنند (Hasenclever et al., 1997, pp. 1-2).

رژیم‌های سودمحور یا نولیبرال، یکی از جریان‌های اصلی برای تبیین رژیم‌های بین‌المللی است. مفهوم رژیم در رویکرد رژیم‌های سودمحور به معنی ایجاد مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، قواعد و به‌صورت خلاصه چهارچوبی جهت شکل‌دهی به رفتار بازیگران (دولت‌ها) در عرصه روابط بین‌الملل است و کیوهن یکی از نظریه‌پردازان اصلی در این حوزه است.

نظریه‌پردازان نظریه رژیم‌های سودمحور بین‌المللی معتقدند دولت‌ها در عرصه بین‌المللی بازیگران اصلی و خردمندی هستند که به سمت رژیم‌سازی جهت حداکثرسازی منافع اقتصادی خود حرکت می‌کنند. دولت‌ها با تکرار بازی که در اینجا همان نشست، جلسه و ملاقات تعبیر می‌شود؛ به اعتمادسازی می‌پردازند و این امر منجر به همکاری بین دولت‌ها می‌شود. به همین ترتیب با کسب منافع و دستاوردهای متقابل دولت‌ها به این نتیجه می‌رسند که همکاری سود بلندمدت‌تری برای آن‌ها به دنبال دارد و این انگیزه‌ای مضاعف به طرفین می‌دهد تا مناسبات خود را حفظ کنند و بسط دهند (Hasenclever et al., 1997, pp. 23-30).



شکل ۱: مدل پژوهش



۲. تاریخچه روابط چین و شورای همکاری خلیج فارس

نویسندگان تاریخچه روابط چین با منطقه خلیج فارس را به دوره‌های متفاوتی (برخی دو دوره، برخی سه دوره و برخی شش دوره) تقسیم می‌کنند. در اینجا سعی می‌کنیم روندی تاریخی و معقول را از تحول شکل و سطح روابط از دهه ۱۹۵۰ تا اوایل دهه ۲۰۰۰ ذکر کنیم. ابتدای جنگ سرد مخصوصاً دهه ۱۹۵۰ از یک طرف، به دلایل ماهیت ایدئولوژیک سیاست خارجی چین، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و همراه شدن با بلوک شرق به رهبری شوروی و از طرف دیگر، قرار گرفتن دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس (در زمانی که این شورا هنوز تشکیل نشده بود) در بلوک غرب، روابط دوجانبه رسمی بین چین و دول شورای همکاری خلیج فارس برقرار نبود (Liu, 2016, pp. 2-3). در دهه ۱۹۶۰ نیز تنش‌هایی که بین چین و شوروی به وجود آمد؛ دو کشور را به سمت رقابت در جهان سوم و امپریالیسم غرب سوق داد. نفوذی که شوروی در منطقه خاورمیانه داشت؛ دلیل مهمی برای بهبود روابط چین با دول شورای همکاری خلیج فارس محسوب می‌شد. همین امر منجر به نزدیکی و کمک چین به جنبش آزادی‌بخش ظفار در عمان شد (Cheng, 1989, p. 38).

در اواخر دهه ۱۹۶۰ روابط چین و شوروی وخیم‌تر شد و منازعات مرزی، شوروی را به بزرگ‌ترین دشمن چین مبدل کرد. همین امر چین را به سمت بهبود روابط با غرب و دول خلیج فارس سوق داد و به این ترتیب، از اوایل دهه ۱۹۷۰ به منظور برقراری روابط دیپلماتیک با دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس، کمک‌های چین به جنبش‌های آزادی‌بخش قطع شد (Wu, 2011, p. 12). دلیل دیگری که منجر به برقراری روابط با دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس شد؛ خلأ ایجادشده به دلیل خروج انگلیس از منطقه در اوایل دهه ۱۹۷۰ بود. به دنبال این اقدام انگلیس، چین در پی پرکردن خلأ موجود برآمد تا از نفوذ بیشتر شوروی در جهان سوم جلوگیری کند. دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس نیز به دلیل تهدید شوروی و عراق از آن استقبال کردند (Liu, 2016, p. 5). با تعهد چین به عدم ارائه کمک به گروه‌های شورشی مخصوصاً در ظفار و به دلیل قدرت‌گیری نیروهای طرفدار شوروی در یمن در سال ۱۹۷۸، عمان در راستای برقراری موازنه در مقابل شوروی با چین روابط دیپلماتیک برقرار کرد (Cheng, 1989, pp. 190-191). به دلیل عمل‌گرایی چین، روابط دوجانبه با دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس از اوایل دهه ۱۹۷۰ در قالب رسمی برقرار شد. موضع بی‌طرفانه و میانجی‌گرانه چین طی جنگ تحمیلی (bin Huwaidin, 2008, p. 109) نیز اعتماد دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس به این کشور را افزایش داد (البته باید این موضوع را در نظر گرفت که فروش هم‌زمان

تسلیمات نظامی به ایران و عراق از سوی چین در طول جنگ هشت ساله، بعضاً مورد انتقاد کشورهای حوزه خلیج فارس نیز قرار می گرفت. بعد از شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱، چین رسماً به دولت های عضو تبریک گفت. دیپلماسی مستقل و غیر مداخله جویانه چین نیز منجر به توسعه روابط بین طرفین شد. برقراری روابط دیپلماتیک چین با عربستان سعودی در اوایل دهه ۱۹۹۰ (Liu, 2016, p. 7) نیز دیپلماسی نوین چین را در منطقه خلیج فارس تکمیل کرد.

بعد از فروپاشی شوروی، هژمونی ایالات متحده در منطقه خلیج فارس تثبیت شد و چین سعی کرد روابط متشنج با غرب بر سر حادثه میدان تیان آن من که در سال ۱۹۸۹ رخ داده بود را بهبود بخشد. این امر در قالب موضع رسمی چین در چهارچوب سازمان ملل مبنی بر مخالفت با تجاوز عراق به کویت نمایان شد. نیاز فزاینده به انرژی و بهبود روابط با غرب، منجر به موضع فعال و میانه چین در این بحران شد. چین در دهه ۱۹۹۰ نیز به واردکننده نفت مبدل شد و در همین راستا روابط با دولت های شورای همکاری خلیج فارس تقویت شد (Liu, 2016, p. 9). عمان در دهه ۱۹۹۰ به یکی از تأمین کنندگان اصلی انرژی و امارات نیز به مقصدی برای بازرادات کالاهای تولیدی چین تبدیل شدند (Cheng, 1989, p. 38). با برقراری روابط رسمی با عربستان در این دهه نیز راه برای تقویت هرچه بیشتر روابط با دولت های شورای همکاری خلیج فارس باز شد. محور روابط چین با شورای همکاری خلیج فارس در این دهه انرژی، فروش تسلیحات و همکاری های تجاری بود (bin Huwaidin, 2008, pp. 134-135). چین با هدف تنوع دهی به منابع انرژی و تأمین امن آن، برقراری روابط با کشورهای خاورمیانه به صورت عام و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به صورت خاص را در دستور کار قرار داد. این امر نه تنها انرژی چین را امن تر تأمین می کرد؛ بلکه بازاری رو به رشد و جذاب را برای دولت های ۶ گانه شورای همکاری خلیج فارس به ارمغان می آورد. عقلانیت و منافع متقابل طرفین باعث نزدیکی بیشتر آنها طی دهه ۱۹۹۰ شد و این امر در دو دهه بعدی به صورت مستمر (گرچه با نوسانات اندک) بسط و تعمیق یافت.

۳. موافقت نامه منطقه آزاد تجاری چین-شورای همکاری خلیج فارس

پیش از دهه ۱۹۸۰، به دلیل خودکفایی چین در حوزه تولید نفت خام، چشم انداز روابط با دول شورای همکاری خلیج فارس چندان روشن نبود. این وضعیت در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به دلیل رشد اقتصادی سریع و تقاضای فزاینده انرژی تغییر کرد. سطح روابط



اقتصادی چین با دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس در دهه ۱۹۹۰ اندک و ثابت بود و این مورد در دهه ۲۰۰۰ با شدت رشد کرد.

تجارت دوطرفه در اوایل دهه ۱۹۹۰ کم‌تر از ۲ میلیارد دلار بود و این رقم در سال ۲۰۰۰ به ۱۰ میلیارد دلار رسید (Habibi, 2011, pp. 53-54). با افزایش واردات نفت چین از دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس و صادرات کالاهای تولیدی آن به منطقه، حجم تجارت بین چین و این سازمان به سرعت رشد کرد.

حجم تجارت دوطرفه در سال ۲۰۰۳ به ۱۷ میلیارد دلار افزایش یافت که ۴۶ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشت (Peck, 2008, p. 60). در ژوئیه ۲۰۰۴، چین و شورای همکاری خلیج فارس موافقت‌نامه چهارچوب همکاری‌های اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری و فناوری^۱ را در بیجینگ امضا کردند. این موافقت‌نامه با هدف تشویق همکاری و مبادلات فناوری در زمینه‌های مختلف، گسترش مبادلات تجاری دوجانبه، تشویق مبادلات بین اتحادیه‌های تجاری دو طرف و ارتقا سرمایه‌گذاری متقابل از طریق اقدامات مختلف امضا شد. در این موافقت‌نامه همچنین ایجاد کمیته مشترکی برای همکاری پیش‌بینی شد که مسئولیت آن اجرای این موافقت‌نامه و سایر موافقت‌نامه‌ها یا پروتکل‌های امضا شده از همین رو بود (Niazi, 2009, p. 7).

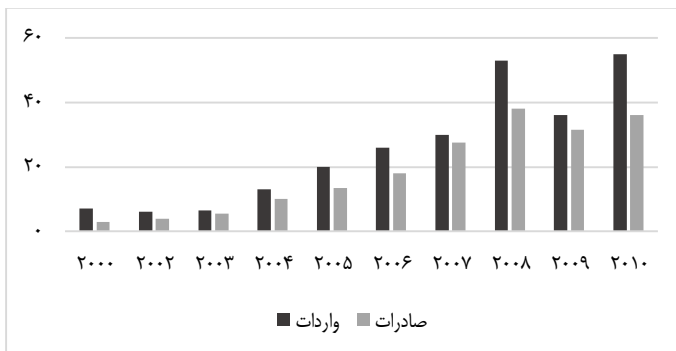
چین و شورای همکاری خلیج فارس مذاکرات منطقه آزاد تجاری را در سپتامبر ۲۰۰۴ آغاز کردند. به گفته مقامات هر دو طرف، منطقه آزاد تجاری پیشنهادی چین و شورای همکاری خلیج فارس شامل کاهش تعرفه‌ها، تسهیل جریان تجارت و سرمایه‌گذاری‌های متقابل است. برنامه‌های پیشنهادی شامل تأمین پایدار نفت از شورای همکاری خلیج فارس به چین، گشودن بازار محصولات نفتی چین به روی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و بهره‌برداری مشترک از منابع نفتی آنها است (Jin, 2004). از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۶، ۹ دور گفت‌وگو بین طرفین بر سر منطقه آزاد تجاری صورت گرفته است که وقفه‌هایی مانند سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ یا بعد از ۲۰۱۶ نیز وجود داشته است (MCPRC, 2021). اختلاف نظر چین و شورای همکاری خلیج فارس در مورد پاسخ‌های جهانی به منازعات سوریه، مذاکرات آنها را در سال ۲۰۰۹ مختل کرد. با این وجود، هر دو طرف در سال ۲۰۱۴ توافق کردند که حل و فصل سیاسی اختلاف در سوریه را تسهیل کنند و حتی ضرورت حل و فصل سیاسی صلح‌آمیز سوریه در سال ۲۰۱۶ را ابراز داشتند (Villalta Puig & Yee, 2017, p. 126). هر دو طرف پس از توافق بر سر قواعد تجارت کالا در سال ۲۰۰۹، شروع به مذاکره در مورد تجارت

1. Framework Agreement on Economic, Trade, Investment, and Technological Cooperation

خدمات کردند؛ اما به دلیل فوق الذکر در همان سال گفتگوها متوقف شد. ولیعهد سعودی در مارس ۲۰۱۴ از بیجینگ دیدار کرد. گفتگوها در اوایل ۲۰۱۶ از سر گرفته شد. آن‌ها در مواردی مانند تجارت خدمات، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های فنی پیشرفت مثبتی داشته‌اند (Villalta Puig & Yee, 2017, p. 128). در سال ۲۰۱۶، ۴ دور مذاکره بین طرفین برگزار شد. در تاریخ ۱۹ تا ۲۱ دسامبر ۲۰۱۶، طی مذاکرات ۳ روزه، هر دو طرف مذاکرات عمیقی را درباره محتوای مشکلات باقی‌مانده مانند تجارت خدمات، سرمایه‌گذاری، تجارت الکترونیک و تجارت کالاها انجام دادند و مذاکرات در بخش‌هایی مانند اقتصادی و همکاری فنی را به فرجام رساندند. تاکنون، هر دو طرف ۹ دور مذاکره را در پانزده موضوع به اتمام رسانده‌اند که در مورد محتوای سه فصل مانند موانع فنی تجارت، مفاد قانونی و تجارت الکترونیک بوده و در زمینه‌هایی مانند کالاهای اصلی و خدمات پیشرفت مثبتی داشته است. هر دو طرف توافق کردند که دور بعدی مذاکرات را در پایان مارس ۲۰۱۷ برگزار کنند (MCPRC, 2021)؛ اما محاصره قطر در سال ۲۰۱۷ نیز مانع دیگری بوده که تاکنون مذاکرات دوطرفه جهت نهایی کردن موافقت‌نامه جامع منطقه آزاد تجاری را تعلیق کرده است. در همین راستا، موافقت‌نامه منطقه آزاد تجاری به فرجام نرسیده است و در بخش چشم‌انداز به این وضعیت بیشتر پرداخته خواهد شد.

۴. سطح و حجم روابط چین-شورای همکاری خلیج فارس

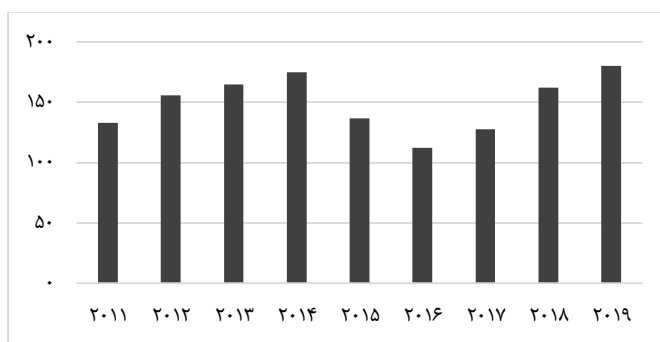
۴۰ سال پیش اروپای غربی و آمریکای شمالی نزدیک به ۸۵ درصد سهم تجاری شورای همکاری خلیج فارس را در انحصار خود داشتند. این الگوی تجاری طی گذشت چند دهه به شدت تغییر کرده است. به عنوان مثال آسیا که در سال ۲۰۰۰، فقط ۱۴ درصد از حجم کل تجارت شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل می‌داد؛ در سال ۲۰۱۰ به عدد ۲۸ درصد رسید. در دهه ۱۹۹۰ کل تجارت چین و شورای همکاری خلیج فارس، ۱ درصد از حجم کل تجارت جهانی چین را شامل می‌شد و این عدد در سال ۲۰۱۰ به ۳ درصد افزایش یافت (Saidi et al., 2011, pp. 21-22).



نمودار ۱: تجارت چین-شورای همکاری خلیج فارس (میلیارد دلار) (Saidi et al., 2011, p. 22)

براساس نمودار (۱)، حجم واردات چین از شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۰۰ بیش از دو برابر حجم صادرات به دولت‌های این سازمان بوده و این وضعیت که تراز تجاری منفی برای چین محسوب می‌شده تا سال ۲۰۱۰ حفظ شده است. مورد دیگر، رشد قابل ملاحظه تجارت دوطرفه بعد از سال ۲۰۰۳ است که پیوسته تا سال ۲۰۰۸ ادامه داشته و بعد از وقفه‌ای در سال ۲۰۰۹، مجدداً به روند خود بازگشته است.

نقش چین در اقتصاد شورای همکاری خلیج فارس متنوع‌تر از تجارت انرژی است. بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷، تجارت چین و شورای همکاری خلیج فارس از ۱۰ میلیارد دلار به تقریباً ۱۲۸ میلیارد دلار رسیده است. استفاده از رنمینی چین در حال رشد است و قطر و امارات موافقت‌نامه مبادله ارزی را با چین امضا کرده‌اند. موافقت‌نامه مبادله ارزی امارات متحده عربی برای تسویه بیش از ۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ استفاده شد. در سال ۲۰۱۸ روابط چین-عربستان سعودی، با امضای ۳۵ یادداشت تفاهم به ارزش ده‌ها میلیارد دلار ارتقا یافت (Fulton, 2019).



نمودار ۲: تجارت چین-شورای همکاری خلیج فارس (میلیارد دلار)

(National Bureau of Statistics of China, 2021)

نمودار (۲)، نیز حجم تجارت چین با شورای همکاری را از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ نشان می‌دهد که روندی صعودی را تا سال ۲۰۱۴ داشته و بعد از نزول دوساله از سال ۲۰۱۷ مجدداً روند صعودی به خود گرفته و سقف قبلی خود در سال ۲۰۱۴ را پشت سر گذاشته است. به صورت کلی در تجارت دوطرفه، ۴ کشور عربستان، قطر، کویت و عمان دارای تراز تجاری مثبت با چین هستند و فقط دو کشور امارات و بحرین با چین تراز تجاری منفی دارند. چین و دول شش‌گانه شورای همکاری خلیج فارس با مشاهده دستاوردهای مطلق به سمت بسط و گسترش آن طی دوره‌های زمانی متفاوت حرکت کرده‌اند که جدیدترین اقدام آن‌ها تأکید به ازسرگیری گفتگوهای منطقه آزاد تجاری در مارس ۲۰۲۱ بوده است. این رژیم میان‌منطقه‌ای بین یک قدرت بزرگ و یک سازمان منطقه‌ای، نه تنها همکاری در حوزه‌هایی مشخص را تعمیق و گسترش خواهد داد؛ بلکه چشم‌انداز آن را جامع‌تر خواهد کرد. چین توانسته است طی چند دهه سهم دیگر کشورها مانند ایالات متحده، اتحادیه اروپا و ژاپن که مهم‌ترین شرکای تجاری شورای همکاری خلیج فارس بوده‌اند را از آن خود کند و اکنون بزرگ‌ترین شریک تجاری شورای همکاری خلیج فارس محسوب می‌شود و منطقه آزاد تجاری نیز در رسیدن چین به این جایگاه مثر ثمر خواهد بود. فراتر از موارد مذکور، روابط چین با شورای همکاری خلیج فارس در ابتکار منطقه‌ای گسترده‌تر گنجانده می‌شود: الگوی همکاری ۳+۲+۱ چین. این الگو در افتتاحیه مجمع همکاری کشورهای چین و عرب در سال ۲۰۱۴ به عنوان ابزاری برای پیوند کشورهای عربی در ابتکار کمربند و راه اعلام شد. براساس این الگو، هر عدد اولویت و حوزه همکاری متفاوتی را نشان می‌دهد؛ ۱. انرژی؛ ۲. زیرساخت، تجارت و سرمایه‌گذاری و ۳. انرژی هسته‌ای، ماهواره فضایی و انرژی‌های تجدید پذیر (Fulton, 2020A, p. 516). چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان در سال ۲۰۲۰ است (Pipeline & Gas Journal, 2021) و مصرف انرژی انگیزه اصلی حضور این دولت در منطقه است. همکاری روزافزون بین شرکت ملی نفت عربستان سعودی (آرامکو) و شرکت‌های مختلف نفت و گاز دولتی چین، نمونه بارز تلاش هماهنگ هر دو طرف برای گسترش روابط است. در ژانویه ۲۰۱۶ نمایندگان آرامکو عربستان و سینوپک^۱ دولتی چین یک پالایشگاه عظیم را در شهر بندری یانبو عربستان افتتاح کردند (Saudi Arabian Association of Chinese Enterprises, 2021). چین و عربستان برای ساخت این پالایشگاه در سال ۲۰۰۹ موافقت کردند و قرار بود در سال ۲۰۱۴ افتتاح شود (Al-Tamimi, 2012, p. 6). در سپتامبر ۲۰۱۹ این شرکت با منطقه آزاد تجاری

1. China Petroleum & Chemical Corporation (Sinopec)



شی جیانگ تفاهم‌نامه امضا کرد که دستیابی آن به ۹ درصد سهام مجتمع پالایشگاه و پتروشیمی یکپارچه منطقه را تسهیل ساخت (Euro Petrole, 2019).

چین در سال ۲۰۱۷ دومین واردکننده بزرگ گاز مایع در جهان شد که ۴۰ درصد آن از خارج تأمین می‌شود (EIA, 2018). پیش‌بینی می‌شود میزان استفاده از گاز مایع چین بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳، ۶۰ درصد افزایش پیدا کند و در این زمینه، قطر یک شریک تجاری قابل توجه است (Reuters, 2018A). در سال ۲۰۱۸، «پترو چائنا»^۱ و «قطر گس»^۲، یک معامله ۲۲ ساله امضا کردند که قرار است چین سالانه ۳/۴ میلیون تن گاز مایع از قطر وارد کند (Reuters, 2018B).

در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، مجموعه‌ای از موافقت‌نامه‌ها بین بزرگ‌ترین شرکت ملی نفت ابوظبی و شرکت دولتی نفت ملی چین منعقد شده است. شرکت چینی سهامی بالغ بر ۳ میلیارد دلار در میدان‌های نفتی ابوظبی را به دست آورد و در عین حال بزرگ‌ترین قرارداد اکتشاف در مناطق خشکی-ساحل را از شرکت ملی نفت ابوظبی در مارس ۲۰۱۸ به ارزش ۱/۶ میلیارد دلار دریافت کرد (Safety4Sea, 2018). اخیراً، در ژوئیه ۲۰۱۹ شرکت ملی نفت ابوظبی موافقت‌نامه‌ای با شرکت ملی نفت فراساحلی چین برای همکاری در زمینه اکتشاف و توسعه در اقلام بالادستی، پالایش نفت و گاز مایع امضا کرد. این موافقت‌نامه همچنین در را برای واحدهای مهندسی شرکت ملی نفت فراساحلی چین که خدمات پیمانکاری و میدان‌های نفتی را به شرکت ملی نفت ابوظبی ارائه می‌دهند، گشود (Reuters, 2019).

امور مالی نیز توسط دو طرف در سال‌های اخیر در مرکز توجه قرار گرفته است. همکاری بین چین و امارات با ۳۶ موافقت‌نامه تا اوایل سال ۲۰۱۶ ادامه داشته است. چین و امارات متحده عربی اولین موافقت‌نامه مبادله ارزی دوجانبه خود را در سال ۲۰۱۲ با حداکثر ۳۵ میلیارد رنمینبی امضا کردند. در اواخر دسامبر ۲۰۱۵، چین در اقدامی جهت بین‌المللی کردن رنمینبی، موافقت‌نامه مبادله رنمینبی را با امارات متحده عربی تمدید کرد (Herlevi, 2016, pp. 14-15). در سال ۲۰۱۸ در قالب این موافقت‌نامه، معاملاتی به ارزش ۶/۵ میلیارد دلار انجام شده است (Reuters, 2018C). دبی، با بیشتر از ۴۲۰۰ شرکت چینی (که تو سال ۲۰۰۵ فقط ۱۸ مورد بودند) و حدود ۳۰۰۰۰۰ چینی، مرکز مالی منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس و حتی خاورمیانه محسوب می‌شود (Abdul Kader, 2016). چهار بانک بزرگ چین، «بانک ساخت‌وساز

1. PetroChina
2. Qatargas

چین»^۱، «بانک کشاورزی چین»^۲، «بانک چین»^۳ و «بانک صنعت و بازرگانی چین»^۴، شعب خود را در دبی تأسیس کرده‌اند. «منطقه آزاد جبل علی»^۵ با مشوق های عالی مختلف نظیر مالکیت ۱۰۰ درصدی، انرژی یارانه ای و امکانات حمل و نقل قابل توجه و زیرساخت های لجستیک، توجه چین را به خود جلب کرده است. بیشتر از ۲۳۰ شرکت چینی در این منطقه حضور دارند (Scott, 2015). بانک صنعت و بازرگانی چین نیز شعبه هایی را در عربستان، قطر و امارات افتتاح کرده و بانک چین یک شعبه در بحرین دارد (Chen & Shu, 2018). صندوق سرمایه گذاری مشترک امارات (Martin, 2015) و قطر (Wall Street Journal, 2014) با چین نیز هر کدام با سرمایه مشترک ۱۰ میلیارد دلاری ایجاد شده است. کویت (Martin et al., 2019) و عربستان (Bloomberg, 2019) نیز به ترتیب از برنامه های خود برای ایجاد صندوق مشترک ۱۰ میلیارد دلاری و صندوق مشترک ۲۰ میلیارد دلاری خبر داده‌اند.

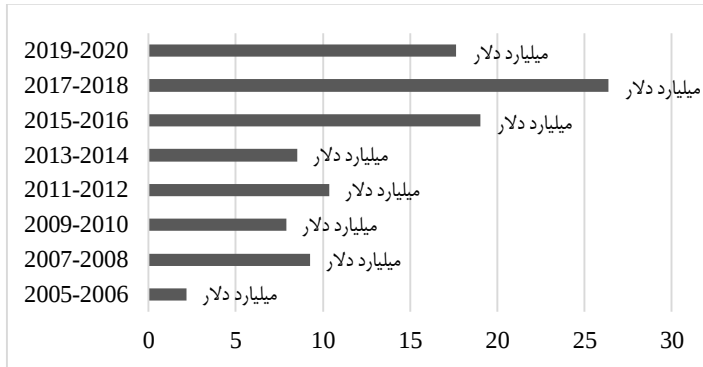
در کنار علاقه چین به منابع انرژی منطقه، روند قابل توجه دیگر افزایش سرمایه گذاری چین در پروژه های بزرگ زیرساختی در شورای همکاری خلیج فارس بوده است. نمونه بارز این امر کنسرسیوم چین در منطقه آزاد بندر دقم عمان است. منطقه آزاد دقم که در سال ۲۰۱۱ تعبیه شده، در برنامه های متنوع سازی عمان و نقطه کانونی سرمایه گذاری چین در این کشور نقش مهمی دارد. در ماه مه ۲۰۱۶ گروهی متشکل از شش شرکت چینی به نام «وان فنگ عمان»^۶ موافقت نامه ای را با اداره منطقه ویژه اقتصادی دقم برای توسعه یک پارک صنعتی در دقم امضا کردند. این کنسرسیوم قصد دارد بیش از ۱۰ میلیارد دلار در پارک سرمایه گذاری کند، از جمله برای کارخانه متانول ۲،۳ میلیارد دلار، مجتمع ذخیره سازی مواد ساختمانی ۱۳۸ میلیون دلار و کارخانه مونتاژ وسایل نقلیه ۸۴ میلیون دلار (Gulf Business, 2017). کنسرسیوم چین متعهد شده است که حداقل ۳۰ درصد از پارک صنعتی عمان در دقم را طی ۷-۵ سال توسعه دهد و ۱۰ شرکت چینی برای ساخت پروژه های مختلف موافقت نامه اجاره زمین را امضا کرده‌اند که در مجموع ۳،۰۶ میلیارد دلار سرمایه گذاری برآورد می شود (Chaziza, 2019, p. 50). پروژه مشابهی از اواسط سال ۲۰۱۷ در ابوظبی آغاز شد که بنادر ابوظبی موافقت نامه ای را با شرکت «همکاری و سرمایه گذاری استانی جیانگ سو»^۷ در منطقه آزاد تجاری در بندر خلیفه

1. China Construction Bank
2. Agricultural Bank of China
3. Bank of China
4. Industrial & Commercial Bank of China (IDCB)
5. Jebel Ali Free Zone Authority (JAFZA)
6. Wanfang Oman
7. Jiangsu Provincial Overseas Cooperation



امضا کردند. مجموع سرمایه‌گذاری پارک صنعتی همکاری چین و امارات متحده عربی ۱ میلیارد دلار برآورد می‌شود (Fulton, 2019A, p. 261).

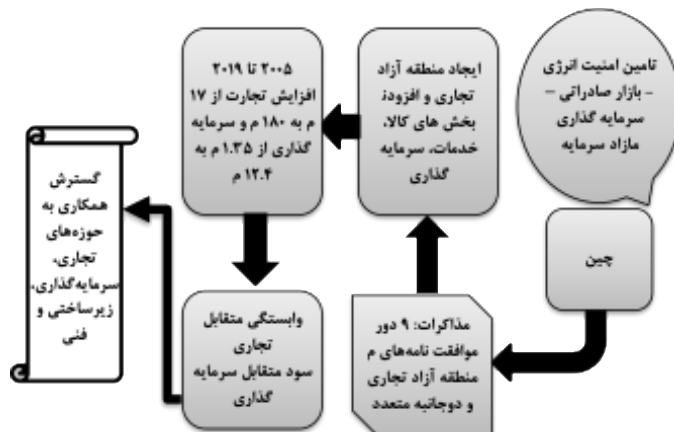
می‌توان به مشارکت گسترده‌تر چین در پروژه ۱۰۰ میلیارد دلاری شهر ابریشم کویت نیز اشاره کرد. دو کشور همچنین تفاهم‌نامه‌ای را امضا کردند تا برای ابتکار و توسعه جزایر کویت در نوامبر ۲۰۱۸ همکاری کنند. مقامات کویت امیدوارند شهر ابریشم که شامل یک بندر بزرگ دریایی، فرودگاه و منطقه آزاد اقتصادی خواهد بود؛ بتواند به یکی از مراکز ابتکار کمربند و راه تبدیل شود (Gulf Monitor, 2019). همکاری‌های فنی حوزه دیگری بوده که مورد توجه طرفین قرار گرفته است. چین در سال ۲۰۱۲ با عربستان سعودی تفاهم‌نامه (Fulton, 2020B: 13) و در سال ۲۰۱۷ موافقت‌نامه همکاری انرژی هسته‌ای را امضا کرده است (Reuters, 2017). چین در سال ۲۰۱۸ موافقت‌نامه مشابهی را با امارات امضا کرده است (World Nuclear Association, 2021). چین و امارات متحده عربی، انرژی تجدید پذیر را به‌عنوان یکی از نقاط مشارکت راهبردی در ژوئیه ۲۰۱۸ اعلام کرده‌اند. چین اعلام کرد: وارد سرمایه‌گذاری در پارک خورشیدی محمد بن راشد آل مکتوم به ارزش ۳/۸۶ میلیارد دلار شده که بزرگ‌ترین پروژه خورشیدی و متمرکز در جهان است (Jing, 2018). در سال ۲۰۱۷ چین با عربستان سعودی در حوزه هوافضا موافقت‌نامه‌هایی مخصوصاً در زمینه تولید پهپاد نیز امضا کرده است (Chuanren & Pocock, 2017; Fulton, 2020B, p. 16). موارد بالا صرفاً بخشی از موافقت‌نامه‌های چین با شورای همکاری خلیج فارس است. این کشور با عقلانیت حداکثری و با ادبیاتی زیرکانه مانند مشارکت برد-برد (با درس گرفتن از تجربه تاریخی و آگاهی از عواقب در پیشی گرفتن سیاست‌های استعماری مشابه دول غربی که هزینه بیشتری را به این کشور تحمیل خواهد کرد)، کشورها را وارد مراوده‌ای می‌کند که گرچه برای دولت‌های مقابل نیز منافع در بر دارد؛ اما در بلندمدت نتیجه‌ای جز سود نامتقارن برای چین نیست. طی اعتمادسازی‌های مستمر چین توانسته است رویکرد دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس نسبت به خود را مثبت کند. این امر بسط و گسترش منافع متقابل را به‌همراه آورده است.



نمودار ۳: سرمایه‌گذاری خارجی چین در شورای همکاری خلیج فارس (میلیارد دلار)

(American Enterprise Institute, 2021)

سرمایه‌گذاری خارجی چین در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ به ۱۰۴/۵ میلیارد دلار رسیده است که حجم بسیار بالایی را نشان می‌دهد (American Enterprise Institute, 2021). گرچه نمودار (۳)، نوساناتی را در دوره‌های زمانی مختلف نشان می‌دهد اما حجم سرمایه‌گذاری خارجی چین از ۲/۱۹ میلیارد دلار در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۵ به بیش از ۲۶/۳۷ میلیارد دلار در دور زمانی ۲۰۱۸-۲۰۱۷ رسیده است که رشد بسیار بالایی محسوب می‌شود. اگر بخواهیم مدلی که در قسمت چهارچوب نظری ترسیم کردیم را در اینجا به صورت عینی پیاده‌سازی کنیم، این گونه خواهد بود.



شکل ۲: مدل عینی همکاری چین با شورای همکاری خلیج فارس (م=میلیارد دلار)



۵. چشم انداز روابط چین-شورای همکاری خلیج فارس

چین در دهه اخیر مخصوصاً اواسط سال ۲۰۱۰ که اولین دور گفت و گوی راهبردی را با شورای همکاری خلیج فارس برگزار کرد (People's Daily, 2010) به سمت هدفمندسازی روابط با این سازمان حرکت کرده است. در سومین دور گفت و گوی راهبردی، دو طرف موافقت کردند به جای اتحاد بر مشارکت راهبردی متمرکز شوند (Erslev Andersen & Jiang, 2014, p.35).

جدول ۱: انواع مشارکت چین با دولت‌ها

اولویت‌ها	مشارکت
پیگیری کامل همکاری و توسعه در امور منطقه‌ای و بین‌المللی	مشارکت راهبردی جامع
هماهنگی و همکاری نزدیک‌تر در امور منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله حوزه نظامی	مشارکت راهبردی
حفظ مبادلات سطح بالا، تماس‌های پیشرفته در سطوح مختلف، درک متقابل فزاینده در مورد موضوعات دارای منافع مشترک	مشارکت همکاری جویانه جامع
توسعه همکاری در مورد مسائل دوجانبه براساس احترام و منافع متقابل	مشارکت همکاری جویانه
تقویت همکاری در موضوعات دوجانبه نظیر تجارت	مشارکت همکاری جویانه دوستانه

(Fulton, 2019B, p. 3)

جدول فوق، سطوح متفاوت مشارکت چین را نشان می‌دهد. چین از طریق ایجاد موافقت‌نامه‌های مشارکت دوجانبه می‌خواهد اتحاد را از مشارکت متمایز کند و خود را از افتادن در ورطه منازعات طرف‌های کوچک‌تر مصون سازد. مشارکت‌های راهبردی چین دامنه‌ای سلسله‌مراتبی از روابط است؛ از مشارکت همکاری جویانه دوستانه در پایین‌ترین سطح تا مشارکت راهبردی جامع در بالاترین سطح. هر سطح اولویت‌های متفاوتی دارد، اما تعهد رسمی در این موارد نسبت به اتحاد و ائتلاف پایین است. بالاترین سطح تعهد برای پیگیری کامل همکاری و توسعه است؛ اما هیچ‌یک از طرفین را در ترتیبات بالقوه سیاسی یا امنیتی درگیر نمی‌سازد. چین به صورت دوجانبه نیز با دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس (به جز بحرین) موافقت‌نامه مشارکت راهبردی و مشارکت راهبردی جامع امضا کرده است. این موافقت‌نامه‌ها در راستای اعتمادسازی

بین طرفین و همچنین القا اهمیت این دولت‌ها برای چین است. عقلانیت چین در روابط دوجانبه نیز آشکار است که سعی دارد با مشارکت و نه اتحاد منافع خود را بیش‌ازپیش تأمین و از درگیر شدن و پرداخت هزینه مضاعف جلوگیری کند. چین هم‌زمان هم چندجانبه‌گرایی و هم دوجانبه‌گرایی را در دستور کار قرار داده است و دلیل آن نه‌تنها به نتیجه رسیدن سریع‌تر دوجانبه‌گرایی است؛ بلکه اختلافات محتمل بین دولت‌های شورا می‌تواند به‌عنوان مانعی بر سر تعمیق روابط عمل کند که چین می‌خواهد موانع این چنینی را مرتفع سازد. چین تا حدودی با تجربه خود دریافته که پیش بردن هم‌زمان دو و چندجانبه‌گرایی در راستای منافع این کشور است و این امر به‌گونه‌ای عمل می‌کند که همکاری و موافقت‌نامه با یک طرف می‌تواند ترغیب‌کننده طرف‌های دیگر برای عقب نماندن از مناسبات با قدرت‌های بزرگی همچون چین شود.

جدول ۲: موافقت‌نامه‌های مشارکت راهبردی و راهبردی جامع چین با شورای همکاری

خلیج فارس

کشور	سطح	سال
عربستان سعودی	مشارکت راهبردی جامع	۲۰۱۶
امارات متحده عربی	مشارکت راهبردی جامع	۲۰۱۸
قطر	مشارکت راهبردی	۲۰۱۴
عمان	مشارکت راهبردی	۲۰۱۸
کویت	مشارکت راهبردی	۲۰۱۸

(Singh, 2020, p. 107)

چین برخی سازوکارهای دیگر را نیز برای تکامل و تحول وضعیت وابستگی متقابل به وابستگی متقابل پیچیده مطرح کرده است. در کنار الگوی همکاری ۱+۲+۳ که در سال ۲۰۱۴ مطرح شده و قبلاً در مورد آن توضیحاتی داده شد؛ چین طرح دیگری را هم در سال ۲۰۱۸ مطرح کرده است تحت عنوان «پیوند بین پارک‌های صنعتی و بنادر، رویکرد دو چرخ و دو بال»^۱. دو چرخ: نفت و گاز و انرژی تجدیدپذیر هستند. دو بال نیز: فناوری و سرمایه‌گذاری و امور مالی هستند.

در این طرح بنداری نظیر بندر خلیفه امارات که از سال ۲۰۱۷ یک شرکت چینی آن را ۵۰ سال اجاره کرده (قرار است ۱۰ میلیارد دلار در آن سرمایه‌گذاری کند)؛ بندر دقم عمان (قرار است در آن ۱۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کند) و بندر جیزان عربستان

1. Industrial park-port interconnection, two-wheel and two-wing approach



سعودی، به همراه بندر سعید مصر و بندر عین سُخْنای جیبوتی به عنوان قطب دریایی شناخته شده‌اند (Indeo, 2021, p. 2) که چین به آن‌ها به عنوان خطوط پیوند ابتکار کمربند و راه نگاه می‌کند و قرار است سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در این نقاط راهبردی انجام دهد. منطقه ویژه اقتصادی دقم عمان بیشترین توجه را به خود جلب کرده است. به دلیل این که دقم دارای پالایشگاه و بزرگ‌ترین محل نگهداری نفت در جنوب غرب آسیا است؛ به عنوان مرکز انرژی محسوب می‌شود و ممکن است در آینده اهمیت تنگه هرمز را کاهش دهد.

چین و شورای همکاری خلیج فارس در مارس ۲۰۲۱ طی دیداری از سرگیری گفتگوهای منطقه آزاد تجاری را خواستار شدند و چین نیز بر ارتقای سطح روابط دو جانبه و تعمیق همکاری متقابل در کلیه حوزه‌ها، براساس احترام و حمایت متقابل تأکید کرد (Xinhua, 2021). به نظر می‌رسد مسائل جاری نظیر مذاکرات ایران و عربستان که متأثر از مذاکرات برجامی و چشم‌انداز بهبود روابط ایران با غرب است؛ یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های رهبر شورای همکاری خلیج فارس یعنی عربستان باشد. به هر حال نه تنها حل بحران درونی شورای همکاری خلیج فارس زمینه از سرگیری مذاکرات بین طرفین منطقه آزاد تجاری را فراهم کرده، بلکه چین را به این نتیجه رسانده که باید از فرصت استفاده کند و سطح روابط با کشورهای شورا را ارتقا دهد و موجبات نزدیکی و تحکیم روابط کشورهای شورا را بیش از پیش فراهم کند؛ زیرا ثبات و آرامش بیشتر در منطقه خلیج فارس در راستای منافع ملی چین ارزیابی می‌شود. به همین ترتیب، چشم‌انداز منطقه آزاد تجاری بین دو طرف نوید دهنده از سرگیری آن در اسرع وقت است؛ در عین حال، برخی مسائل نظیر همکاری‌های ایران و چین و حتی درخواست چین برای از سرگیری مذاکرات منطقه آزاد تجاری مانند سال ۲۰۱۶ نیز می‌تواند به عنوان کاتالیزور عمل کرده و مذاکرات شورای همکاری خلیج فارس با چین را تسریع کند. همکاری‌های امنیتی بین چین و شورای همکاری خلیج فارس نیز بسیار اندک بوده و در مراحل ابتدایی به سر می‌برد. می‌توان گفت این حوزه بیشتر تحت تأثیر تسلط نظامی آمریکا در منطقه قرار دارد. حضور امنیتی محسوس چین در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، خطر موضع‌گیری را به همراه دارد و هزینه‌های ناخواسته این کشور را بالا می‌برد. به همین دلیل، انتظار می‌رود مشارکت امنیتی در سطح پایین ادامه پیدا کند؛ به همین منظور فعلاً برخی همکاری‌های امنیتی سطح پایین مانند مبارزه با تروریسم، تمرینات آموزشی مشترک و فروش اسلحه مورد توجه قرار گرفته است. همکاری‌های امنیتی (مانند مبارزه با تروریسم) بین چین و شورای همکاری

خلیج فارس در بیانیه‌های مشترک مشارکت راهبردی جامع به‌عنوان یک اولویت، اما بدون تعهدات صریح برجسته شده است.

چین به‌عنوان کشوری که دومین بودجه نظامی جهان را دارد؛ در اواخر آوریل ۲۰۲۱ جدیدترین دستاوردهای نظامی خود را در «نانجینگ»^۱ چین به نمایش گذاشت. در میان تجهیزات نظامی، برخی قابل توجه بودند (به‌دلیل انعطاف‌پذیری و قابل حمل بودن). این سیستم‌ها مخصوصاً برای شناسایی هواپیما و پهپادهای ضد رادار با ارتفاع پایین و حتی موشک‌های کروز با ارتفاع پایین طراحی شده‌اند که «سامانه رادار نظارت سه‌بعدی»^۲ سرآمد آن‌ها بوده است. این سیستم‌ها قرار است هواپیماهای رادارگریز و با ارتفاع پایین، بالگرد و حتی خمپاره را نیز شناسایی کنند. «سامانه راداری چندمنظوره»^۳ قابل حملی نیز در این نمایشگاه رونمایی شد که حتی یک سرباز می‌تواند آن را حمل کند (Siqu & Xuanzun, 2021). اگر این سیستم‌های راداری ادعای چینی‌ها را در میدان نبرد نیز ثابت کنند؛ به‌عنوان دستاورد شگفت‌انگیز می‌تواند حتی پروژه تریلیون دلاری اف ۳۵ را به شکست بکشاند. این چنین متغیرهای مداخله‌گری یعنی رشد قدرت نظامی چین (به‌گونه‌ای که بتواند معادلات کنونی را برهم بزند) می‌تواند وضعیت را تغییر دهد و نظر کشورهای شورا را بیش از پیش به سمت چین متمایل سازد.

گروکشی جدید آمریکا در ژوئن ۲۰۲۱، برای فروش اف ۳۵ به امارات که از این کشور خواسته ظرف ۴ سال تجهیزات هوآوی را از شبکه‌های خود حذف کند؛ در غیراین صورت جنگنده‌ای به این کشور تحویل نخواهد داد و معلوم نیست چه نتیجه و اقدامی را از جانب امارات به‌همراه داشته باشد. این اختلاف به حدی جدی است که هنوز هیچ ضمانتی برای دریافت جنگنده‌های اف ۳۵ توسط اماراتی‌ها وجود ندارد (Wadhams & Westall, 2021). ایالات‌متحده که از روابط امنیتی نوپای چین و شورای همکاری هراسان است؛ در پی توقف و جلوگیری از تعمیق آن برآمده و این امر به احتمال زیاد تنش‌های بیشتری را بین شورای همکاری خلیج فارس و متحد آن رقم خواهد زد. چین که از چتر امنیتی ایالات‌متحده در راستای منافع خود استفاده کرده و از جانب غرب متهم به سواری رایگان است؛ تا چند سال اخیر سعی کرده حساسیت ایالات‌متحده را نسبت به اقدامات خود بالا نبرد. گرچه چین سعی دارد به نرمی و از حوزه اقتصادی، حضور خود را در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس افزایش دهد؛

1. Nanjing

2. YLC-8E UHF-band 3D surveillance radar system

3. YLC-48 portable multifunctional reconnaissance radar



اما حوزه‌های امنیتی-نظامی نیز به دلایلی نظیر سیاست چرخش به آسیا-پاسفیک اوباما، سیاست رقابت با قدرت‌های بزرگ ترامپ (به‌جای مبارزه با تروریسم) و سیاست‌های سخت‌گیرانه بایدن برای مهار چین، در چشم‌انداز تعاملات دو طرفه به‌صورت مبهم و کلی مدنظر قرار گرفته‌اند و به نظر می‌رسد به‌صورت تدریجی نیز بسط و توسعه یابند.

هدف چین که از عقلانیت محاسبه‌گر آن نشئت می‌گیرد؛ تثبیت و بسط تعاملات در حوزه‌های مختلف، تضمین دریافت انرژی از دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس، استفاده از نرمینبی (ارز خارجی چین) در مبادلات دو و چندجانبه به‌جای دلار، پیوند و اتصال دُول شورای همکاری خلیج فارس به شبکه دولت‌های در حال توسعه در قالب ابتکار کمربند و راه و همچنین سرمایه‌گذاری و ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن به نفع چین است. این اهداف که منافع چین را به‌صورت حداکثری تأمین می‌کنند مبنای ایجاد منطقه آزاد تجاری قرار گرفته و منطقه آزاد تجاری نیز خود در رسیدن به این اهداف کمک شایانی به چین خواهد کرد. چین و شش دولت شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان بازیگران اصلی این رژیم، تاکنون قواعدی را برای تنظیم رفتار خود با تکرار بازی/اعتمادسازی طی ۹ دور گفت‌وگو (تاکنون) تعبیه کرده‌اند. این امر می‌تواند بهبود سطح روابط را برای طرفین به‌همراه آورد و دستاورد متقابل، راه آن‌ها برای تعمیق همکاری را هموارتر سازد.

نتیجه‌گیری

چین پیش از اواخر دهه ۱۹۷۰، چشم‌انداز روشن و هدفمندی را برای خود جهت تعامل سازنده با شورای همکاری خلیج فارس متصور نبود. اولین گام چین جهت تغییر رویکرد ایدئولوژیک و تنش‌زا با دول شش‌گانه را می‌توان سیاست درهای باز، عمل‌گرایی و منفعت‌محوری در دوره بعد از ۱۹۷۸ در نظر گرفت. این دولت به تدریج تا اوایل دهه ۱۹۹۰ با تمام دول شورای همکاری خلیج فارس روابط دیپلماتیک برقرار کرد. مناسبات تجاری-اقتصادی با دول شش‌گانه شورا نیز به نسبت رشد چین، بهبود و ارتقا یافت؛ اما آنچه این وضعیت را بیشتر متحول ساخت، تبدیل شدن چین به کشور واردکننده انرژی در سال ۱۹۹۳ بود که این امر روابط بهتر با شورای همکاری را می‌طلبید؛ به‌نحوی که سطح تجارت دو طرفه نه‌چندان بالا (کم‌تر از ۲ میلیارد دلار) اوایل دهه ۱۹۹۰، به سطح مناسب اما ناکافی (۱۰ میلیارد دلار) در سال ۲۰۰۰ رسید.

چین به‌عنوان دولتی خردمند منافع خود را در تأمین امنیت انرژی، بازار صادراتی،

سرمایه‌گذاری و به‌صورت کلی، همکاری در حوزه‌های مختلف (فنی، هوافضا، انرژی هسته‌ای و تجدید پذیر) با شورای همکاری خلیج فارس می‌دید. این امر چین را به سمت چهارچوبی کلان تحت عنوان منطقه آزاد تجاری چین-شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۰۴ سوق داد. چین سعی کرد از طریق مذاکرات بین دول شورای همکاری خلیج فارس اعتمادسازی کند و این امر در قالب مذاکرات منطقه آزاد تجاری طی ۹ دور تا سال ۲۰۱۶ ادامه یافت و قرار شد اوایل سال ۲۰۱۷ از سر گرفته شود که محاصره قطر و اختلافات داخلی شورای همکاری خلیج فارس مانع آن شد. دو طرف از فرصت‌های مختلف در راستای تأکید بر ازسرگیری گفتگوها و تعمیق همکاری استفاده کرده‌اند. باین حال چین به این چهارچوب کلان و جامع بسنده نکرده و برای کسب منافع بیشینه به‌صورت دوجانبه نیز برخی ابتکارها نظیر موافقت‌نامه‌های مشارکت راهبردی و مشارکت راهبردی جامع را با دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس (به‌جز بحرین) امضا کرده است. ابتکارهای دیگری نیز مانند الگوی همکاری ۱+۲+۳ در سال ۲۰۱۴ و پیوند بین پارک‌های صنعتی-بنادر، رویکرد دو چرخ و دو بال در سال ۲۰۱۸ مطرح شده‌اند که به‌عنوان مکمل کمربند و راه عمل خواهند کرد. گرچه منطقه آزاد تجاری هنوز تکمیل نشده است؛ اما آنچه از مبادلات تجاری، حتی سرمایه‌گذاری و دیگر حوزه‌های همکاری می‌توان نتیجه گرفت؛ افزایش مستمر و سود متقابلی است که دو طرف از آن بهره‌مند شده‌اند. چین نزدیک به ۳۰ درصد از انرژی خود را از این دولت‌ها وارد می‌کند؛ در مقابل بازار مطمئنی جهت فروش انرژی این دول غالباً متکی به تک محصول نفت و گاز است. چین همچنین با سرمایه‌گذاری و همکاری در حوزه‌های مختلف حضور و نفوذ خود در این کشورها را از طریق رژیم‌سازی نهادینه می‌کند. سود متقابل همکاری بین چین و دول شورای همکاری خلیج فارس نیز به‌عنوان محرک و انگیزه‌ای عمل می‌کند که دو طرف را به سمت بسط و تعمیق هرچه بیشتر همکاری‌ها سوق می‌دهد.

گرچه در مذاکرات منطقه آزاد تجاری بین دو طرف از اواخر سال ۲۰۱۶، وقفه ایجاد شده است؛ اما با حل مشکل درونی دول شورای همکاری خلیج فارس، چشم‌انداز این رژیم میان منطقه‌ای روشن‌تر شده است. همان‌طور که در نشست دوطرفه ماه مارس ۲۰۲۱ بر ازسرگیری مذاکرات تأکید شد؛ به‌احتمال زیاد طرفین سعی می‌کنند هرچه زودتر در بازه زمانی کوتاه این رژیم بین منطقه‌ای را جهت بیشینه‌سازی منافع خود به نتیجه کامل برسانند. قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین نیز می‌تواند به‌عنوان کاتالیزوری قوی جهت تعجیل در جبران عقب‌افتادگی از دیگر کشورهای رقیب این



شورا عمل کند. گرچه چین پیش‌زمینه این نوع موافقت‌نامه را با دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس نیز ایجاد کرده، اما مشاهده به نتیجه رسیدن زودتر آن با ایران منجر به فعال شدن این دولت‌ها جهت کشیدن قدرت بزرگی مانند چین به سمت آن‌ها است. دیپلماسی کل منطقه چین نیز به گونه‌ای است که سعی می‌کند با تمام دولت‌های منطقه رابطه خوب داشته باشد و تنظیم قراردادهایی نظیر ایران با دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس (حتی بحرین، البته قراردادی با سطح پایین‌تر) نیز در آینده‌ای نزدیک حتمی خواهد بود.

References

- Al-Tamimi, Naser. (2012). China Saudi Arabia Relations: Economic Partnership or Strategic Alliance? Discussion Paper. Durham University, HH Sheikh Nasser Al-Sabah Programme, Durham.
- Al-Tamimi, Naser. (2019). The GCC's China Policy: Hedging against Uncertainty. In: China's Great Game in The Middle East, Camille Lons, Jonathan Fulton, Degang Sun & Naser Al-Tamimi, The European Council on Foreign Relations (ECFR), Pp. 25-31.
- Bin Huwaidin, Mohammed. (2002). China's Relations with Arabia and the Gulf: 1949-1999. New York: Routledge-Curzon.
- Chaziza, Mordechai. (2019). The Significant Role of Oman in China's Maritime Silk Road Initiative. Contemporary Review of the Middle East, 6(1), Pp. 44-57.
- Cheng, Joseph. Y. S. (1989). The Evolution of China's Foreign Policy in the Post-Mao Era: From Anti-Hegemony to Modernization Diplomacy. in China: Modernization in the 1980s, edited by Joseph Y. S. Cheng, Hong Kong: The Chinese University Press.
- Erslev Andersen, Lars & Jiang, Yang. (2014). Oil, Security, and Politics: Is China Challenging the US in the Persian Gulf? Danish Institute for International Studies.
- Fulton, Jonathan. (2019A). China-UAE Relations in the Belt and Road Era. Journal of Arabian Studies, 9:2, 253-268, DOI: 10.1080/21534764.2019.1756135.
- Fulton, Jonathan. (2019B). China's changing role in the Middle East, Washington D. C.: Atlantic Council.
- Fulton, Jonathan. (2020A). China-Saudi Arabia Relations through the '1+2+3' Cooperation Pattern. Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, 14:4, 516-527, DOI: 10.1080/25765949.2020.1841991
- Fulton, Jonathan. (2020B). Strangers to Strategic Partners: Thirty Years of Sino-Saudi Relations. The Atlantic Council's Scowcroft Middle East Security Initiative.
- Habibi, N. (2011). Growth in economic relations of China and India with the GCC countries. Asian-Pacific Economic Literature, 25: 52-67. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8411.2011.01311.x>.
- Hasenclever, Andreas; Mayer, Peter & Rittberger, Volker. (1997). Theories of International Regimes, Published in New York: Cambridge University Press.
- Herlevi, April A. (2016). China and the United Arab Emirates: Sustainable Silk Road Partnership? The Jamestown Foundation: China Brief, Volume XVI, Issue 2.
- Indeo, Fabio. (2021). The Middle East in China's Belt and Road Initiative: Strategic and Geopolitical Implications. No. 256, NUS: Middle East Institute.



- Keohane, Robert O. & Nye, Joseph. (2012). Power and Interdependence, 4 editions, Boston: Longman-PEARSON.
- Krasner, Stephen D. (1982). International Regimes. Ithaca and New York: Cornell University Press.
- Liu, Zhongmin. (2016). Historical Evolution of Relationship between China and the Gulf Region. Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia), 10:1, 1-25, DOI: 10.1080/19370679.2016.12023276.
- Niazi, Khizar. (2009). Kuwait Looks towards the East: Relations with China, the Middle East Institute Policy Brief. No. 26.
- Peck, Malcolm C. (2008). The A to Z of the Gulf Arab States, US: Rowman & Littlefield.
- Ruggie, JG (1975). International Responses to Technology: concepts and trends. International Organization, 29 (3). pp. 557-584.
- Saidi, Nasser; Prasad, Aathira & Salomoni, Sara. (2011). The Red back Cometh: Renminbi Internationalization & What to do about it. Dubai International Financial Centre, Economic Note No. 18.
- Singh, Manjari. (2020). China's Great Game in the Gulf: Implications for India. Centre for Land Warfare Studies (CLAWS), Vol. 13 No. 2, Pp. 97-114.
- Villalta Puig, Gonzalo & Yee, Alice Tung Ho. (2017). Challenges and Opportunities of the China-Gulf Cooperation Council Free Trade Agreement. Vol. 40, No. 1, Pp. 123-158.
- Wu, B. (2011). Reflections on China-Arab Cooperation Forum: based on China-Gulf relations. Arab World Studies, No.1.
- Young, Oran. (1989). International Cooperation: Building Regimes for Natural Resources and the Environment, Cornell University Press, Ithaca, NY.
- Zanghl, Bernhard. (2014). Regime Theory” In: Theories of International Relations, Schieder, Siegfried; Spindler, Manuela, London and New York: Routledge.
- Abdul Kader, Binsal. (2016). Chinese Community in UAE Grows Fourfold in 10 Years. Accessed (2021/06/08), Available at: <https://gulfnnews.com/going-out/society/chinese-community-in-uae-grows-fourfold-in-10-years-1.1877034>.
- American Enterprise Institute. (2021). China Global Investment Tracker, (Accessed 2021/05/12), Available at: <https://www.aei.org/china-global-investment-tracker/>.
- Bloomberg. (2019). Everbright Bank in Talks to Back \$20Billion Saudi Fund, Accessed (2021/06/08), Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2019-02-26/everbright-bank-is-said-in-talks-to-back-20-billion-saudi-fund>
- Chen, Aizhu & Shu, Zhang. (2018). Exclusive: As U.S. Sanctions Loom, China's Bank of Kunlun to Stop Receiving Iran Payments—Sources, Accessed (2021/06/08), Available at: www.reuters.com/article/us-chinairan-banking-kunlun-exclusive/exclusive-as-u-s-sanctions-loom

chinas- bank- of-kunlun- to-stop- receiving- iranpayments- sources- idUSKCN1MX1KA.

- Chuanren, Chen & Pocock, Chris. (2017). Saudi Arabia Buying and Building Chinese Armed Drones, Aviation International News, (Accessed 2021/05/17), Available at: <https://www.ainonline.com/aviation-news/defense/2017-04-12/saudi-arabia-buying-and-building-chinese-armed-drones>.
- Euro Petrole. (2019). Saudi Aramco Expands Downstream Investment in China Zhejiang Free Trade Zone, (Accessed 2021/05/14), Available at: <https://www.euro-petrole.com/saudi-aramco-expands-downstream-investment-in-china-zhejiang-free-trade-zone-n-i-19340>.
- Fulton, Jonathan. (2019). China in the Gulf: Chinese investments connected with the New Silk Road initiative with Gulf Cooperation Council states, (Accessed 2021/05/12), Available at: <https://www.eni.com/en-IT/global-energy-scenarios/china-new-silk-road.html>.
- Gulf Business. (2017). Oman Counts on Chinese Billions to Build Mega City at Duqm: Oman Aims to Transform Duqm, a Fishing Village South of Muscat, into an Industrial Centre, (Accessed 2021/05/02), Available at: <https://gulfbusiness.com/oman-counts-chinese-billions-build-mega-city-duqm/>.
- Gulf Monitor. (2019). Kuwaiti Megaproject Faces Investment Challenges at Home and Abroad, (Accessed 2021/05/04), Available at: <https://castlereagh.net/kuwaiti-megaproject-faces-investment-challenges-at-home-and-abroad/>.
- Jin, Zhang. (2004). Progress Made in Free Trade Talks with GCC, (Accessed 2021/05/19), Available at: www.chinadaily.com.cn/english/cndy/2004-07/05/content_345425.htm.
- Jing, Shi. (2018). Shanghai Electric to Construct Solar Facility in Dubai, China Daily, (Accessed 2021/05/04), Available at: <http://www.chinadaily.com.cn/201804/14/WS5ad1b0a7a3105cdcf6518485.html>.
- Martin, Matthew. (2015). U.A.E, China Create \$10 Billion Strategic Investment Fund, Accessed (2021/06/08), Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2015-12-14/u-a-e-china-create-10-billion-strategic-investment-fund-ii5x83pb>
- Martin, Matthew, MacDonald, Fiona & Chan, Vinicy. (2019). Kuwait Plans \$10Billion Investment Fund with China, Accessed (2021/06/08), Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2019-02-28/kuwait-is-said-to-plan-10-billion-investment-fund-with-china>
- Ministry of Commerce People's Republic of China (MCPRC). (2021). China-GCC (Gulf Cooperation Council) FTA, (Accessed 2021/05/12), Available at: fta.mofcom.gov.cn/list/engcc/engccnews/1/encateinfo.html.



- National Bureau of Statistics of China. (2021). Statistical Database, (Accessed 2021/05/12), Available at: www.stats.gov.cn/english/Statisticaldata/AnnualData/.
- People's Daily. (2010). China and GCC Held the First Round of Strategic Dialogue, (Accessed 2021/06/09), Available at: en.people.cn/90001/90776/90883/7013180.html.
- Pipeline & Gas Journal. (2021). China's 2020 Crude Oil Imports Surged 7.3%", (Accessed 2021/05/19), Available at: <https://pgjonline.com/news/2021/january/china-s-2020-crude-oil-imports-surged-73>.
- Reuters. (2017). Saudi Arabia signs cooperation deals with China on nuclear energy, (Accessed 2021/05/04), Available at: <https://www.reuters.com/article/saudi-china-nuclear-idUSL8N1LB1CE>.
- Reuters (2018A) China to Become Top Gas Importer in 2019 Boosted by LNG-IEA, Accessed (2021/06/08), Available at: www.reuters.com/article/gas-ia/china-to-become-top-gas-importer-in-2019-boosted-by-lng-ia-idUSL1N1TR114.
- Reuters. (2018B). Qatargas Agrees on 22-Year LNG Supply Deal with China, Accessed (2021/06/08), Available at: www.reuters.com/article/us-qatar-petrochina/qatargas-agrees-on-22-year-lng-supply-deal-with-china-idUSKCN1LQ0DM.
- Reuters. (2018C). Update 1-UAE's Yuan Clearing Centre Clears \$6.5Billion in Transactions, (Accessed 2021/06/09).
- Reuters. (2019). CNOOC, ADNOC Sign MOU on Exploration, Oil Refining, LNG Trade: State Media, (Accessed 2021/05/07).
- Safety4Sea. (2018). ADNOC Awarded Contracts For World's Largest 3D Seismic Survey", (Accessed 2021/05/07).
- Saudi Arabian Association of Chinese Enterprises. (2016). Inauguration of YASREF, (Accessed 2021/05/12), Available at: www.saudi-cocc.net/en/home/59.
- Scott, Emma. (2015). China's 'One Belt, One Road' Strategy Meets the UAE's Look East Policy, China Brief 15, No. 11, Accessed (2021/06/08).
- Siqi, Cao & Xuanzun, Liu. (2021). China's anti-stealth tech shines at radar expo: Domestically developed equipment 'fits trend in modern warfare, (Accessed 2021/06/11).
- US Energy Information Administration (EIA). (2018). China Becomes World's Second Largest LNG Importer, Behind Japan, Accessed (2021/06/08).
- Wadhams, Nick & Westall, Sylvia. (2021). Biden Prods UAE to Dump Huawei, Sowing Doubts on Key F-35 Sale, (Accessed 2021/06/11).
- Wall Street Journal. (2014). Qatar Investment Authority, China's Citic Group Form \$10B Joint Fund, Accessed (2021/06/08), Available at: <https://www.wsj.com/articles/DJFLBO0120141104eab4lehwx>.

- World Nuclear Association. (2021). Nuclear Power in the United Arab Emirates, (2021/05/07), Accessed Available at: <https://www.world-nuclear.org/information-library/country-profiles/countries-t-z/united-arab-emirates.aspx>.
- Xinhua. (2021). China, GCC Discuss Resuming Free Trade Talks, (Accessed 2021/05/19).